
A Model for Classifying the Architectural Formal Approaches of Contemporary Mosques in Terms of Their Relationship with the Historical Traditions of Mosque Design

Mojtaba Pour Ahmadi^{1*}

1. Assistant Professor, Faculty of Architecture and Art, University of Guilan, Rasht, Iran.
(Received 21 May 2022, Accepted 14 Nov 2022)

The present study examines the relationship between the architecture of contemporary mosques and the historical traditions of mosque architecture and tries to formulate a special classification for the types of this relationship. At the beginning of this paper, some weaknesses of the existing categorization models for the general approaches of the architectural design of contemporary mosques are explained. Since in the existing classifications, the whole mosque is viewed as a single entity, the resultant classifications become ambiguous in many cases. For example, when a particular mosque is introduced as an example of the modern approach, it is possible that in the same mosque there are certain physical elements with a completely traditionalist approach, and vice versa, in mosques that are introduced as examples of traditionalist mosques, it is possible that certain elements and components of the mosque are designed in a modern way. Due to the generality and vagueness of the mentioned categories, it becomes difficult to explain issues such as the impact of the desired approach on qualities such as "recognizability" and "newness" of the mosque design from the audience's point of view. Another problem is that these categories generally do not have the ability to explain the homogeneity or heterogeneity of style in the design of the mosques in question, and usually when a term is used to describe a mosque, it is not yet clear whether the design of the mosque in question is original or eclectic. In this study, after an analytical review of the relevant scientific literature, four approaches to the historical traditions of mosque architecture are identified. Based on his expertise and professional views and the specific conditions of the project, an architect approaching the design problem of a contemporary mosque and in the face of the design of any of the main physical elements of the mosque can follow any of the traditions of mosque design (Imitation approach); the architect can somehow reconcile any of the historical traditions of mosque design with contemporary architecture and offer new interpretations of them (conservative approach); he/she can challenge some architectural traditions of mosque design (challenging approach); or one can wholly avoid these traditions

and break from them (abandonment approach). In the present study, two modes are considered for each of the two conservative and challenging approaches: One is the case where the relevant approach is followed more intensely and the other is the case where the desired approach is followed with less intensity. In the present paper, each of these approaches is assigned a specific digit from zero to five. According to the specific field of the present study, which is dedicated to the exterior view of the mosques, for every mosque three main elements are examined consisting of the dome, minaret and other exterior surfaces. By assigning a digit to each of these three elements of the mosque according to its specific approach, a three-digit code is produced for each mosque. The code assigned to the examples of contemporary mosques can be a reliable indicator for explaining the physical characteristics of the mosque in question, explaining whether the mosque is recognizable or ambiguous from the point of view of the audience, whether the mosque design displays a homogeneous or eclectic style, and whether it is innovative or imitative. Next, the application of the proposed model to twelve examples of contemporary mosques, both in Iran and in the world, is described. In the present study, in describing the functions and properties of each of the afore-mentioned approaches, it is stated what issues and aspects are emphasized in each approach. Finally, it is stated that these four approaches are a set of possibilities that contemporary architects are equipped with in the face of the open problem of the contemporary mosque design and none of these approaches are inherently right or wrong, but it is important that they are used properly and appropriately. What is important is to face the design problem responsibly and self-consciously. If the architect decides to imitate some of the past traditions of mosque architecture, his decision must be based on awareness and wisdom, and if he decides to abandon some historical traditions, his decision must be a responsible and wise decision too.

Keywords: Mosque architecture, contemporary mosque, classification, tradition, modernity.

*Corresponding author. E-mail: pourahmadi@guilan.ac.ir



مدلی برای دسته‌بندی رویکردهای فُرمی به معماری مساجد معاصر از منظر ارتباط با سنت‌های تاریخی معماری مسجد

مجتبی پوراحمدی*

استادیار، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳)

چکیده

پژوهش حاضر به کیفیت ارتباط فُرمی معماری مساجد معاصر با سنت‌های تاریخی معماری مسجد می‌پردازد و می‌کوشد تا دسته‌بندی خاصی را برای انواع این ارتباط تدوین نماید، به نحوی که برخی نقاط ضعف دسته‌بندی‌های موجود را نداشته باشد. در این پژوهش پس از مرور نقادانه بر ادبیات علمی مرتبط، با استفاده از راهبرد استدلال منطقی، سامانه‌ای منطقی متشکل از چهار رویکرد نسبت به سنت‌های تاریخی معماری مساجد تدوین می‌گردد که شامل رویکرد تقلیدگرا، رویکرد محافظه‌کارانه، رویکرد چالشی و رویکرد انصرافی می‌شود. در پژوهش حاضر، هریک از این رویکردها و زیرشاخه‌هایشان با کدهای عددی خاصی مشخص می‌شود و با توجه به حیطه پژوهش، این رویکردها به تفکیک در مورد هریک از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده نمای بیرونی مسجد شامل گنبد، مناره و جداره‌های خارجی به کار گرفته می‌شود. دسته‌بندی پیشنهادی می‌تواند شاخص قابل اتکایی برای تبیین خصوصیات کالبدی مساجد مورد نظر، قابل تشخیص‌بودن یا مبهم‌بودن مسجد از نظر مخاطبان، همگن یا التقاط‌گرابودن طرح مسجد و نیز نوآورانه یا تکراری‌بودن آن باشد. در پژوهش حاضر، در تشریح کارکردها و خاصیت‌های هریک از رویکردها بیان می‌گردد که هیچ‌یک از این رویکردها ذاتاً درست یا غلط نیستند بلکه مهم این است که بجا و به‌طرز مناسبی استفاده شوند. آنچه مهم است مواجهه مسئولانه و آگاهانه با مسئله طراحی پیش روی معمار است. هم استفاده از الگوهای تاریخی هم مخالفت با به‌کارگیری آن‌ها باید عملی آگاهانه و حکیمانه باشد.

واژگان کلیدی

معماری مسجد، مسجد معاصر، دسته‌بندی، سنت، مدرنیته.

مقدمه و بیان مسئله

برای هر معماری که بخواهد امروزه مسجدهای طراحی نماید، نحوه ارتباط طرح وی با سنت‌های گذشته معماری مسجد، یکی از موضوعات اساسی است که دیر یا زود در فرایند طراحی خویش با آن مواجه می‌شود و ناگزیر باید موضع خاصی را نسبت به این مسئله در پیش گیرد. وی باید تصمیم بگیرد که چقدر می‌خواهد به این سنت‌ها نزدیک شود یا از آن‌ها دوریگزیند و با چه کیفیتی می‌خواهد چنین نماید. پژوهش حاضر بر این مسئله اصلی تمرکز دارد که امروزه در طراحی عناصر کالبدی اصلی مسجد، چه نسبت‌هایی با سنت‌های تاریخی معماری مسجد می‌توان برقرار نمود و هر رویکرد متضمن چه معانی و خصوصیات است.

پیش از این هم تلاش‌هایی برای تبیین این موضوع انجام شده است و در این زمینه انواعی از دسته‌بندی‌ها توسط صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف ارائه شده است که در بخش بعدی تشریح می‌شوند. با وجود ارزشمند بودن دسته‌بندی‌های مورد اشاره، پژوهش حاضر قصد دارد با توجه به برخی نقاط ضعف این دسته‌بندی‌ها، در راستای بهبود و تکمیل آن‌ها گام بردارد. برای نمونه، از آنجاکه در دسته‌بندی‌های موجود، به کل مسجد به عنوان یک موجودیت واحد نگریسته می‌شود، دسته‌بندی‌های مورد نظر در موارد بسیاری دچار ابهام می‌گردند و با چالش مواجه می‌شوند. برای مثال، زمانی که یک مسجد خاص را به عنوان نمونه رویکرد مدرن معرفی می‌نمایند، ممکن است در همان مسجد عناصر کالبدی خاصی با رویکرد کاملاً سنت‌گرا موجود باشد و به عکس، در مساجدی که به عنوان نمونه مساجد سنت‌گرا معرفی می‌شوند، ممکن است عناصر و اجزای خاصی از مسجد به شکل مدرن طراحی شده باشند. از این رو، اطلاق عنوان مدرن یا سنت‌گرا به این نمونه‌ها دچار خدشه می‌شود.

دوری یا نزدیکی طرح یک مسجد جدید به سنت‌های شناخته‌شده معماری مسجد، دست‌کم بر دو ویژگی مهم

مسجد اثرگذار است که یکی «قابل تشخیص بودن» مسجد توسط مخاطب و دیگری «تازگی» و بداعت طرح مسجد در نگاه مخاطب است. در واقع، این دو ویژگی دو مورد از خواسته‌های مهمی هستند که در انتخاب ویژگی‌های سبکی مسجد مطرح‌اند (نک: Hamzenejad and Arabi 2014) و طراح معمار ناگزیر باید به آن‌ها پاسخی بدهد. ساختمان مسجد از یک سو لازم است تا توسط مخاطبان به عنوان مسجد شناسایی شود و در بین انواع مختلف ساختمان‌ها تشخیص داده شود که این امر مستلزم آن است که بین مسجدهای که در مقابل روی مخاطب قرار گرفته است و سابقه ذهنی او از مسجد، ارتباط معنادار و محکمی برقرار شود. از سوی دیگر، «تازگی» و نبودن و پرهیز از تکرار و کهنگی از دیگر ویژگی‌هایی است که در معماری مسجد مطلوب است و لازمه‌اش این است که مخاطب در مسجد مورد نظر عناصر و کیفیاتی را درک نماید که به نوعی در سابقه ذهنی وی وجود نداشته‌اند. از این رو، این دو شاخصه به نوعی در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند.

به واسطه کلی و مبهم بودن دسته‌بندی‌های مورد اشاره، تبیین موضوعاتی از قبیل تأثیر رویکرد مورد نظر بر کیفیت‌هایی از قبیل «قابل تشخیص بودن» و «تازگی» طرح مسجد دچار اشکال می‌شود. چه بسا در مسجدهای که در گروه مساجد مدرن دسته‌بندی می‌گردد، شاهد آن باشیم که طرح مسجد برای مخاطبان به خوبی قابل تشخیص و شناسایی است، در حالی که در مسجد مدرن دیگری طرح مسجد گنگ و غیرقابل شناسایی ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب، در موارد بسیاری، بین دسته‌بندی‌های مورد اشاره و کیفیت‌های ادراکی مسجد ارتباط معناداری مشاهده نمی‌شود.

از ابهام‌های دیگر در دسته‌بندی‌های موجود برای رویکردهای طراحی مسجد، این است که در دسته‌بندی آثار معماری بر اساس طیف سنتی و مدرن، معمولاً به این نکته اشاره نمی‌شود که کدام سبک یا سبک‌های سنتی به عنوان مبنای ارزیابی و دسته‌بندی قرار گرفته‌اند. برای مثال،

مشخص نیست، در صورتی که یک مسجد خاص را به عنوان مدرن دسته‌بندی می‌نمایند - که یعنی از سنت‌های گذشته معماری مسجد گسسته است - تشخیص این گسستگی در مقایسه با کدام سنت‌های معماری صورت گرفته است.

چه بسا یک اثر معماری که به طور معمول مدرن و بریده از سنت ارزیابی می‌شود، صرفاً بدین دلیل است که از سنت‌های معماری کمتر شناخته شده‌ای الهام می‌گیرد. بنابراین، ضرورت دارد که در دسته‌بندی‌ها و تحلیل‌ها، «سبک مینا» مورد توجه قرار گیرد و البته باید به این نکته توجه ویژه داشت که معماری سنتی یک امر واحد و ثابت در طول زمان نیست بلکه در طول تاریخ سنت‌های متنوع و پویایی در زمینه معماری مسجد در مناطق مختلف دنیا وجود داشته‌اند. برخی از این سنت‌ها شناخته شده‌تر و قدرتمندتر بوده‌اند و حتی در سطح بین‌المللی مشهورند، در حالی که سنت‌های فراوان دیگری وجود داشته‌اند که جنبه حاشیه‌ای یا محلی داشته‌اند و کمتر شناخته شده‌اند. همه این سنت‌ها می‌توانند مورد ارجاع معماران معاصر قرار گیرند. لذا مبحث پیوند با سنت یا بریده‌بودن از آن، نیازمند مجهزبودن به آگاهی جامعی در مورد سنت‌های معماری مسجد است.

مشکل دیگری که در دسته‌بندی‌های موجود مشاهده می‌شود، این است که عموماً قابلیت تبیین همگونی یا ناهمگونی سبکی در طرح مساجد مورد نظر را ندارند و معمولاً وقتی برای توصیف یک مسجد از اصطلاحی استفاده می‌شود، هنوز مشخص نیست که آیا طرح مسجد مورد نظر یک طرح همگون و یکپارچه از نظر سبکی است یا در دسته طرح‌های التقاط‌گرا جای می‌گیرد. برای مثال، زمانی که طرح معماری یک مسجد در دسته پست‌مدرن جای داده می‌شود، نمی‌توان دریافت که طرح مورد نظر یک طرح التقاط‌گرا محسوب می‌شود یا اصیل.

لذا پرسشی که پژوهش حاضر قصد پاسخ‌گویی به آن را دارد، از این قرار است که «دسته‌بندی رویکردهای طراحی مساجد معاصر نسبت به سنت‌های معماری مساجد، به چه صورتی تدوین شود تا اشکالات مورد اشاره فوق را نداشته

باشد؟» به بیان دیگر، رویکردهای فرمی طراحی معماری مساجد معاصر به چه نحوی دسته‌بندی و نامگذاری شوند تا:

۱. قابلیت خوبی برای به تصویر کشیدن خصوصیات کالبدی مسجد داشته باشند؟

۲. قابلیت خوبی برای تبیین خصوصیتی از قبیل تازه‌بودن و قابل شناسایی بودن مسجد برای مخاطب عام داشته باشد؟

۳. قابلیت خوبی برای تبیین همگونی سبکی یا التقاط‌گرا بودن طرح مسجد داشته باشد؟

در پاسخ به پرسش‌های فوق در پژوهش حاضر دسته‌بندی رویکردهای طراحی مساجد معاصر به جای آنکه کلیت طرح مسجد را مورد نظر قرار دهد، روی تک‌تک عناصر کالبدی مسجد مستقر می‌شود. در پژوهش حاضر، عناصر سنتی‌ای که در طول تاریخ به عنوان نماد و نشانه بیرونی مسجد به کار گرفته می‌شده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. به اعتقاد سراج‌الدین «مناره، گنبد، دروازه و مقرنس عناصر کلیدی بسیاری از معماری‌های مساجد هستند. این عناصر با همه مسلمانان (و حتی غیرمسلمانان) با نمادگرایی قدرتمندی صحبت می‌کنند که از مکان و زمان فراتر می‌رود» (Serageldin 1996, 14).

در پژوهش حاضر، سه عنصر منتخب شامل گنبد، مناره و الگوهای سنتی رایج در طراحی سایر جداره‌های خارجی مسجد در نظر گرفته می‌شود. در تاریخ معماری مسجد، این عناصر چنان مهم بوده‌اند، که هر معماری که امروزه به طراحی مسجد فکر کند، ناگزیر باید موضع خاص خود را نسبت به نحوه مواجهه با این عناصر اصلی مشخص نماید. قابل ذکر است در پژوهش حاضر صرفاً ویژگی‌های کلان فرمی مساجد در دید از بیرون مورد توجه قرار می‌گیرد و سایر مسائل متعدد قابل توجه در طراحی مساجد از قبیل طراحی داخلی، برنامه عملکردی و ارتباطات فضایی، مبحث تفکیک جنسیتی و ... خارج از حیطه پژوهش حاضر واقع می‌شوند.

همچنین در پژوهش حاضر، برای تشریح رویکردها به جای استفاده از اصطلاحات مبهمی مانند مدرن و پست‌مدرن، از نوع کاری که طراح در مواجهه با عناصر سنتی تشکیل‌دهنده

مسجد انجام می‌دهد، سخن گفته می‌شود. علاوه بر این‌ها، سنت یا سنت‌های مبنای مورد ارجاع طراح در دسته‌بندی رویکردها مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد تا رویکردهای معمارانه‌ای را که نسبت به سنت‌های طراحی گنبد، مناره و جداره‌های خارجی مسجد قابل اتخاذ است، دسته‌بندی نماید و بیان کند که هریک از این رویکردها متضمن چه خصوصیات و نتایجی است. در مقاله حاضر، پس از مروری بر ادبیات علمی مرتبط، ماتریس جدیدی برای دسته‌بندی انواع رویکردهای معماری نسبت به سنت‌های معماری مسجد معرفی می‌گردد و کاربردهای آن در قالب مثال‌هایی تشریح می‌شود.

۱. مرور ادبیات علمی مرتبط

با توجه به تعریف و ماهیت خاص مسجد، موضوع نحوه ارتباط آن با سنت‌های معماری گذشته اهمیت ویژه‌ای دارد. بر این اساس، در ادامه، انواع دسته‌بندی‌هایی که برای رویکردهای معماری مساجد معاصر نسبت به سنت‌های گذشته معماری مسجد پیشنهاد شده است، معرفی و مرور می‌گردد. عیسی حجت در مقاله خویش مشکل «تداوم» (Hojjat 2015, 15) معماری ارزشمند گذشته ایران را در معماری امروز آن مورد بررسی قرار می‌دهد و رویکردهای آن‌دسته از معماران معاصر را «که به‌سادگی حاضر به تسلیم و تکرار اصول و دستاوردهای معماری مدرن نبودند»، نسبت به «سنت» به چهار دسته تقسیم می‌نماید (Hojjat 2015, 8):

۱. آنان که به امید بازگشت به سنت و معماری سنتی به تکرار آن نشستند و شاکله و هندسه و مصالح و روش‌های ساخت‌وساز سنتی را تکرار کردند.

۲. آنان که مصالح، شاکله یا هندسه معماری سنتی را با هندسه، مصالح و فناوری جدید درآمیختند و بناهایی ساختند دورگه که نشانه‌هایی از دو معماری سنتی و مدرن را هم‌زمان در خود داشتند.

۳. آنان که نمادها و تکه‌هایی از معماری سنتی را بجای یا نابجا در معماری مدرن خویش به امانت گرفتند و معماری

مدرن مزیّن به سنت ایرانی را تولید کردند.
۴. آنان که راه سنت‌گرایی در پیش گرفتند و بر آن شدند که معماری سنت‌گرای ایرانی را تجربه کنند.

وی معماری «سنت‌گرا»ی مدرن را متفاوت از معماری «سنتی» می‌داند و اصطلاح «معماری‌های سنتی‌نما» را با بار معنایی منفی برای توصیف آن به‌کار می‌برد: «این دیدگاه، معنویت در معماری را در تکرار کاذب نمادهای روزگار سنتی، معماری‌های سنتی‌نما و معماران گذشته‌نگر جست‌وجو می‌کند» (Hojjat 2015, 14). این در حالی است که به نظر وی معماری سنتی اصیل یک معماری گذشته‌نگر و مبتنی بر بازتکرار گذشته‌ها نیست. به نظر می‌رسد راهکار ایشان نسبت به مشکل تداوم در معماری سنتی ایران آن است که رویکرد پنجمی در پیش گرفته شود که در آن «محصلان معماری» علاوه بر آگاهی‌یافتن به فن معماری از تربیت و پرورش اخلاقی متناسبی هم برخوردار باشند تا بتوانند به بیان او «پندهای آسمانی» را در «کالبد زمینی» آثار خویش به‌کار بگیرند. به تعبیر وی (Hojjat 2015, 15):

«معماری سنتی برخلاف معماری سنت‌گرا- از یگانگی و وحدتی ذاتی میان جسم و جان و ظاهر و باطن معماری برخوردار است؛ چراکه استادان سنتی معماری همراه با آموزش گِل، به پرورش و صفای دل شاگردان می‌پرداخته‌اند و این راز خوش‌گل بودن معماری سنتی ایران است».

متأسفانه، به نظر می‌رسد راهکار ارائه‌شده در این مقاله در سطح راهبردی بسیار کلان و درازمدت است که در صورت رعایت ممکن است چندین دهه زمان لازم داشته باشد تا نتایج آن به‌تدریج در کالبد معماری یک کشور بروز یابد. اما برای معمارانی که امروز نیاز دارند تا در پروژه‌های طراحی خود تصمیمات طراحی عاجل بگیرند، راهنمایی چندانی ارائه نمی‌نماید. چراکه معماران برای آنکه بتوانند عملاً طراحی کنند، نیاز به ابزار، فنون و شگردهای طراحی ملموسی دارند که بتوانند در هر پروژه طراحی بین خواسته‌ها از یک‌سو و خصوصیات کالبدی مطلوب ازسوی دیگر پل بزنند و پیوند برقرار نمایند.

درحالی‌که در دسته‌بندی ارائه‌شده توسط عیسی حجت به‌نظر می‌رسد، هر چهار رویکرد معرفی‌شده موجود رد می‌شوند و ناتوان از ایجاد تداوم در معماری سنتی اصیل ایرانی قلمداد می‌گردند، نویسندگان دیگری هم هستند که تلاش کرده‌اند تا رویکردهای موجود در معماری مساجد را با نگاهی پذیرا تر دسته‌بندی و توصیف نمایند. درحالی‌که

ممکن است هریک به شکل مستقیم یا تلویحی گرایش یا گرایش‌های خاصی را بر بقیه گرایش‌ها ارجح بداند. سراج‌الدین تلاش می‌کند تا بدون اولویت‌بندی ارزشی، با ترسیم یک ماتریس دوبعدی نوعی دسته‌بندی برای انواع مساجد معاصر ارائه نماید (Serageldin 1990, 20).

جدول ۱. دسته‌بندی انواع مساجد معاصر از دیدگاه سراج‌الدین. منبع: (Serageldin, 1990, 20)

Table 1. Classification of contemporary mosques according to Serageldin (Serageldin 1990, 20)

نوع ساختمان				رویکرد معماری
مسجد محلی کوچک	مجموعه‌ای به‌عنوان مرکز اجتماع	ساختمان نشانه‌ای و بزرگ	مسجد بزرگ حکومتی	
				بومی یا مردم‌گرا
				سنتی
				عامه‌پسند
				مدرن انطباق‌یافته
				مدرنیست

در خصوص این دسته‌بندی، حمزه‌نژاد و عربی معتقدند: «خطر نادیده‌گرفتن اصالت» در مساجد نوگرا (مدرنیست) بیش از دیگر مساجد است. به بیان ایشان «جسارت و خلاقیتی که در مساجد نوگرای معاصر وجود دارد، اگرچه ابعاد مثبتی دارد، اصالت این مساجد را از بُعد دینی و تاریخی مورد سؤال قرار می‌دهد» (Hamzenejad and Arabi 2014, 52).

محمد الاسد، درحالی‌که چنین نظام دسته‌بندی‌ای را رد نمی‌کند، پیشنهاد می‌نماید که این دسته‌بندی‌ها در یک نظام ساده‌تر جای داده شوند که در آن رویکردهای طراحی مساجد معاصر به دو گروه تقسیم می‌شود: «یک گروه که پیشینه تاریخی را به‌عنوان منبع اصلی الهام برای تولید فرم می‌پذیرد و گروه دیگر که این امر را نمی‌پذیرد» (al-Asad 1990, 28). وی معتقد است هریک از دو رویکرد فوق ارزش‌های خاص خود را دارند و نکته مهم این است که در صورت استفاده از هرکدام از آنها، یک معماری باکیفیت بالا آفریده شود (al-Asad 1990, 29).

فتحی (Fethi 1985, 54) پنج گرایش معماری در مساجد معاصر را بدین شرح برمی‌شمرد: ۱. سنتی/ بومی؛ ۲. محافظه‌کارانه/ عرف‌گرا؛ ۳. کلاسیک نوی اسلامی؛ ۴.

معاصر/ مدرن؛ ۵. التقاط‌گرا/ شب‌های عربی. وی توجه به نیازها و آرزوهای مردمی را که مخاطب مسجد هستند، از یک‌سو، و فناوری مناسب ساختمانی را که به شرایط مکانی خود حساس باشد ازسوی دیگر، برای نیل به یک «رویکرد واقعاً معاصر» حیاتی می‌داند و معتقد است «از طریق ارائه پاسخ صادقانه به چنین ملاحظاتی و نه از طریق بیان عین به عین سبک‌های گذشته است که مساجد آینده تفاوت‌هایشان را حفظ خواهند کرد و به روح اسلام نزدیک خواهند ماند» (Fethi 1985, 62).

حسن‌الدین خان گرایش‌های معاصر در طراحی مسجد را به چهار دسته تقسیم می‌نماید: بومی، تاریخ‌گرا، کلاسیک معاصر (کلاسیسم پست‌مدرن) و مدرن (Khan 1990, 124). وی جنبه فرهنگی و نمادین مسجد را مهم‌ترین وجه آن می‌داند «چراکه در نهایت امر، معماری درباره ساختمان‌ها نیست بلکه درباره مردم است» (Khan 2008, 53). وی بر این اساس، اهمیت معماری مسجد را فقط در فرم یا زبان معماری آن نمی‌داند بلکه در معنایی می‌داند که در طول زمان به ما منتقل می‌کند. به بیان وی معنای مسجد برای مخاطبان خود در تعامل بین معماری مکان و منطقه مورد نظر و جامعه‌شناسی و فرهنگی که به آن تعلق دارد،

شکل می‌گیرد و کاربرد عناصری مانند گنبد و مناره در این چارچوب تفسیر می‌شود. از این رو، او قابل شناسایی بودن مسجد برای مخاطبان را مسئله‌ای حیاتی در معماری مساجد معاصر ارزیابی می‌نماید (Khan 2008, 53).

یاهیس نیز به شیوه تقریباً مشابهی در مقاله مستخرج از رساله دکتری خویش مساجد معاصر را در چهار دسته مورد بررسی قرار می‌دهد که بین دو قطب سنتی و مدرن توزیع می‌شوند: معماری بومی، تاریخ‌گرا، منطقه‌گرا به عنوان رویکرد مدرن برای آفرینش اثر و نهایتاً بیان مدرن. البته وی در جمع‌بندی بیان می‌دارد که «سبک مدرن مناسب‌ترین سبک برای بیان هویت فرهنگی جوامع مسلمان امروزی و نیز تداوم معماری مذهبی سنتی اسلامی» محسوب می‌شود (Jahić 2008, 21).

اوسی اوغلو بر مبنای نقد ادوارد سعید بر نگاه شرق‌شناسانه به هنر و معماری اسلامی، به مسئله هویت در معماری مساجد معاصر می‌پردازد. به بیان وی «همان‌طور که سعید نشان داده است، شرق‌شناسی باعث شد که غرب، اسلام یا شرق را در زمان و در مکان ایستا ببیند، به عنوان موجودیتی ابدی، یکنواخت و ناتوان از تعریف خود» (Avcioglu 2007, 91). وی نهایتاً با تجلیل از مساجد مدرن در مقابل مساجدی که از عناصر معماری سنتی تقلید می‌کنند، می‌گوید: «فرم آن‌ها معاصر و مدرن است. در اینجا من از این صفت نه به عنوان یک امتیاز منحصرأ اروپایی بلکه به عنوان بیان موجزی برای مجموعه‌ای از گرایش‌ها استفاده می‌کنم که از نوعی خودمختاری حکایت می‌کنند که هم از نظر موضوعی و هم از لحاظ فرمی، زاینده‌گی فرهنگی بیرون‌نگر را به نمایش می‌گذارند. این مساجد دچار هیچ‌یک از تله‌های سیاست هویتی نیستند. آن‌ها به عنوان تابلوهای راهنمای مذهبی تصور نمی‌شوند» (Avcioglu 2007, 105).

ورکایک با نگاه از منظر قوم‌نگاری و با بررسی تجربی فرایند واقعی طراحی یک مسجد در اروپا، دغدغه‌های موجود درباره طراحی مسجد را در سه لایه دسته‌بندی می‌نماید که شامل هویت سیاسی، سنت دینی و اثرگذاری احساسی و روحی می‌شود. وی این ابعاد تحلیلی را

به ترتیب در قالب گفتمان «مسجد معاصر»، «مسجد سنتی» و «مسجد بی‌زمان» بازگو می‌نماید. به بیان وی «این جنبه‌های مختلف مسجد اغلب طی فرآیند طراحی با یکدیگر هم‌پوشانی می‌کنند، اما گاهی اوقات نیز در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند» (Verkaaik 2012, 163).

در ایران، مهدوی‌نژاد، مشایخی و بهرامی (Mahdaveinejad, Mashayekhi, and Bahrami 2015) مساجد معاصر ایران را به دو دسته کلی مساجد سنت‌گرا و مساجد نوگرا تقسیم می‌کنند که مساجد نوگرا را شامل مساجد نوگرای سفید، مساجد ناب‌گرا، مساجد فرم‌گرا و مساجد نوگرای التقاطی می‌دانند. مسئله مشهود در این مقاله این است که هیچ‌گونه نقدی بر این رویکردها و خواص آن‌ها ارائه نمی‌شود تا به معماران در انتخاب بین این گرایش‌ها کمکی نماید.

حمزه‌نژاد و امیرآبادی فراهانی در پژوهش خویش که به بررسی اصالت مساجد معاصر ملی در جهان اسلام پرداخته‌اند، این مساجد را از منظر زیبایی‌شناسی به چهار دسته تقسیم نموده‌اند: سنتی، نوگرا (مدرن)، فرانوگرا (پست‌مدرن) و جریان‌های جدید (Hamzehnejad and Amirabadi Farahani 2021). این پژوهشگران بر اساس رجوع به نظر تعدادی از کارشناسان نتیجه می‌گیرند که در اصیل‌ترین مساجد معاصر زیبایی‌شناسی سنتی و پست‌مدرن به کار گرفته شده است (Hamzehnejad and Amirabadi 2021, 314). در جدول ۲ چکیده‌ای از آرای نظریه‌پردازان درباره دسته‌بندی رویکردهای طراحی مساجد معاصر ارائه شده است.

همان‌گونه که در مقدمه مقاله بیان گردید، پژوهش حاضر با هدف تکمیل و بهبود دسته‌بندی‌های موجود می‌کوشد تا دسته‌بندی جدیدی را برای انواع مساجد معاصر از لحاظ ارتباط با سنت‌های معماری مسجد ارائه نماید. لذا در پژوهش حاضر به جای ارائه دسته‌بندی برای کلیت یک مسجد معاصر تلاش می‌شود تا رویکردهای معماری مورد استفاده در بخش‌های کالبدی مختلف آن مورد توجه قرار گیرد. همچنین تلاش می‌شود تا به جای استفاده از عناوین کلی مورد استفاده در دسته‌بندی‌های فعلی، از قبیل

که طراح روی آن کار کرده است نیز مورد توجه قرار گیرد. لذا مفهوم «سنت مبنا» نیز در دسته‌بندی پیشنهادی پژوهش حاضر مطرح می‌شود.

پست‌مدرن کلاسیک، از نوع کاری که طراح با عناصر کالبدی مورد نظر انجام می‌دهد و نحوه مواجهه طراح با آن‌ها به شکل روشن‌تری سخن گفته شود. از لحاظ منطقی، تشخیص همه این موارد نیازمند آن است که سنت مبنایی

جدول ۲. مروری بر آرای نظریه‌پردازان درباره دسته‌بندی رویکردهای معماری مساجد معاصر

Table 2. A review of theorists' opinions about the classification of contemporary mosque architecture approaches

نظریه‌پرداز	سال پژوهش	دسته‌بندی
احسان فتحی	۱۹۸۵	۱. سنتی/ بومی، ۲. محافظه‌کارانه/ عرف‌گرا، ۳. کلاسیک نوی اسلامی، ۴. معاصر/ مدرن، ۵. التقاط‌گرا/ شب‌های عربی
اسماعیل سراج‌الدین	۱۹۹۰	۱. بومی، ۲. سنتی، ۳. عامه‌پسند، ۴. مدرن انطباق‌یافته، ۵. مدرنیست
محمد الاسد	۱۹۹۰	۱. پذیرنده پیشینه تاریخی به‌عنوان منبع اصلی الهام، ۲. نپذیرنده پیشینه تاریخی به‌عنوان منبع اصلی الهام
حسن‌الدین خان	۱۹۹۰	۱. بومی، ۲. تاریخ‌گرا، ۳. کلاسیک معاصر (کلاسیسیم پست‌مدرن)، ۴. مدرن
ادین یاهیس	۲۰۰۸	۱. معماری بومی، ۲. تاریخ‌گرا، ۳. منطقه‌گرا، ۴. بیان مدرن
اسکار ورکایک	۲۰۱۲	۱. مسجد سنتی، ۲. مسجد معاصر، ۳. مسجد بی‌زمان
محمدجواد مهدوی‌نژاد، محمد مشایخی، منیره بهرامی	۲۰۱۵	۱. سنت‌گرا، ۲. نوگرای سفید، ۳. نوگرای ناب‌گرا، ۴. نوگرای فرم‌گرا، ۵. نوگرای التقاطی
عیسی حجت	۲۰۱۵	۱. بازتکرار سنت، ۲. دوره سنتی-مدرن، ۳. مدرن مزین به سنت، ۴. سنت‌گرا، ۵. مدرن
مهدی حمزه‌نژاد و مهدیه امیرآبادی فراهانی	۲۰۲۱	۱. سنتی، ۲. نوگرا (مدرن)، ۳. فرانوگرا (پست‌مدرن)، ۴. جریان‌های جدید

سامانه‌های منطقی ذهنی است که اگر نظام‌مند شوند، از راه‌های مناسبی ارتباط عوامل ناشناخته یا نامناسب قبلی را آشکار می‌سازند» (Groat and Wang 2005, 301-302).

در مقاله حاضر، پژوهش استدلال منطقی منجر به تدوین یک سامانه مفهومی می‌شود که می‌کوشد تا پیچیدگی‌های نحوه ارتباط طرح معماری یک مسجد معاصر را با سنت‌های تاریخی متنوع و فراوان معماری مسجد تبیین نماید و این امر را در قالب اصطلاحات فنی محدودی صورت‌بندی کند. به بیان گروت و وانگ «سامانه منطقی خوب، باید محدوده تبیینی وسیعی را با تعداد مفیدی از واژه‌های فنی فراهم آورد» (Groat and Wang 2005, 335).

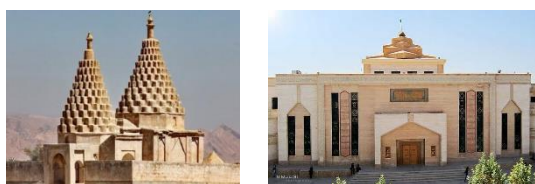
در کنار نقاط قوتی که پژوهش‌های استدلال منطقی دارند، یکی از نقاط ضعف این نوع از پژوهش‌ها این است که ثبات منطقی درونی این سامانه‌ها الزاماً متضمن قدرت تبیینی کامل دنیای بیرون نیست و «نظریه استدلال منطقی سازوکار تنظیم‌کننده‌ای ندارد که نظریه‌پرداز را از این کمبود مطلع سازد، بلکه باید با ارجاع به موارد مرتبط و با ارزیابی انتقادی آزموده شود» (Groat and Wang 2005, 334). لذا لازم است چارچوب تدوین‌شده در پژوهش حاضر همانند

بر این اساس، یک معمار معاصر هنگام طراحی مسجد و در مواجهه با هریک از عناصر کالبدی اصلی مسجد می‌تواند طبق تشخیص و دیدگاه‌های تخصصی خود و شرایط پروژه، از هریک از سنت‌های طراحی مسجد تبعیت نماید، هریک از سنت‌های طراحی مسجد را به‌نحوی با معماری روز آشتی دهد و تفسیرهای جدیدی از آن‌ها را عرضه نماید، برخی سنت‌های معماری مسجد را به چالش بکشد یا اینکه از این سنت‌ها دوریگزیند. در ادامه، این چهار رویکرد تشریح می‌شوند.

۲. روش پژوهش

بر اساس دسته‌بندی گروت و وانگ (Groat and Wang 2005) برای انواع روش تحقیق در معماری، پژوهش حاضر مشخصاً جزو پژوهش‌های استدلال منطقی تعریف می‌گردد. در تشریح این نوع از پژوهش‌ها آمده است: «ادبیات معماری و نوشته‌های مربوط به آن مواردی را شامل می‌شود که ویژگی اصلی آن‌ها ایجاد نظامی منطقی در مطالب پراکنده قبلی است. این موارد با این هدف که به خودی خود کامل باشند، تدوین می‌شوند و مقصود اصلی آن‌ها صورت‌بندی

رعایت نماید. در این رویکرد در طرح معماری همچنان به سنت‌ها یا مراجع تاریخی خاصی اشاراتی می‌شود و ممکن است بتوان تشخیص داد که مثلاً معماری مساجد گنبددار اصفهان یا مقابر دارای گنبد مضرس و مانند آن، مورد توجه طراح بوده است، اما از آنجاکه معمار در طراحی خویش به سمت انتزاع حرکت کرده است، معمولاً نمی‌توان با دقت بسیار مراجع تاریخی الهام‌بخش را شناسایی کرد.



شکل ۲. گنبد مسجد دانشگاه آزاد اسلامی قزوین را می‌توان انتزاعی از گنبدهای اورچین در برخی سنت‌های بومی معماری آرامگاهی ایران دانست. (تصویر سمت چپ: دو گنبدان کوخرد در هرمزگان، تصویر سمت راست: مسجد دانشگاه آزاد اسلامی قزوین)

Fig. 2: The dome of the mosque of Qazvin Islamic Azad University can be considered as an abstraction of Orchin domes in some local traditions of Persian tomb architecture. left: Dagonbadan Koukherd in Hormozgan (<https://www.salameno.com/news/55339519>), right: Qazvin Islamic Azad University Mosque (<http://www.basij-sorkhab.blogfa.com/post/6>)

نمونه‌ای از این رویکرد را می‌توان در مسجد شاه فیصل در پاکستان ملاحظه نمود که طرح کلی بنا شامل ترکیب گنبد مرکزی و چهار مناره پیرامونی آن را می‌توان انتزاعی از مساجد سبک عثمانی محسوب نمود (شکل ۳).

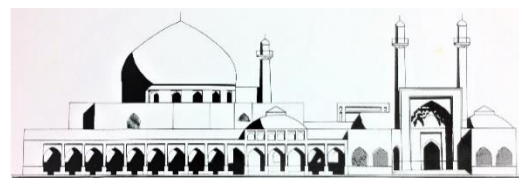


شکل ۳. مسجد ملک فیصل در پاکستان را می‌توان انتزاعی از الگوی مساجد عثمانی دانست. (تصویر سمت چپ: مسجد سلیمیه در ترکیه)
Fig. 3: King Faisal Mosque in Pakistan can be considered an abstraction of the Ottoman mosques' typology. Left: Selimiye Mosque in Turkey (<http://www.sultanahmetcesmehotel.com/unesco-world-heritage-turkey-Edirne-Selimiye-Mosque.html>). Right: King Faisal Mosque in Pakistan (<https://rising-pakistan.com/faisal-mosque-iconic-symbol-of-pakistan/>)

همه سامانه‌های مفهومی حاصل از استدلال منطقی مورد بازبینی و ارزیابی‌های بعدی قرار گیرد که انجام این کار می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی باشد.

۳. معرفی رویکردهای چهارگانه طراحی معماری مسجد

از لحاظ نحوه مواجهه با عناصر رایج مساجد تاریخی در طراحی مساجد معاصر، چهار رویکرد قابل تصور است که در ادامه به تشریح این رویکردها پرداخته می‌شود. رویکرد اول، بازتولید فرم‌های سنتی در طرح مسجد مورد نظر است. در این رویکرد، تلاش می‌شود تا برخی عناصر کالبدی رایج در معماری مساجد تاریخی عیناً یا با کمترین دخل و تصرف در طرح مورد نظر به کار گرفته شوند. در این رویکرد زبان فرمی مربوط به معماری یک دوره تاریخی خاص یا گونه خاصی از مساجد تاریخی به عنوان الگو یا زبان مرجع در نظر گرفته می‌شود و تلاش می‌گردد تا طرح مورد نظر تا حد امکان به آن شباهت داشته باشد. برای مثال، ممکن است که معماری مساجد صفوی اصفهان به عنوان مرجع تاریخی مد نظر معمار قرار داشته باشد و به نوعی تلاش نماید تا فرم‌های مورد استفاده برای گنبد و مناره یا کاشی‌کاری و غیره در این سبک از مساجد را بازتولید نماید. مسجد دانشگاه صنعتی شریف را می‌توان نمونه‌ای از این رویکرد دانست. (شکل ۱)



شکل ۱. نمای جنوبی مسجد دانشگاه شریف.

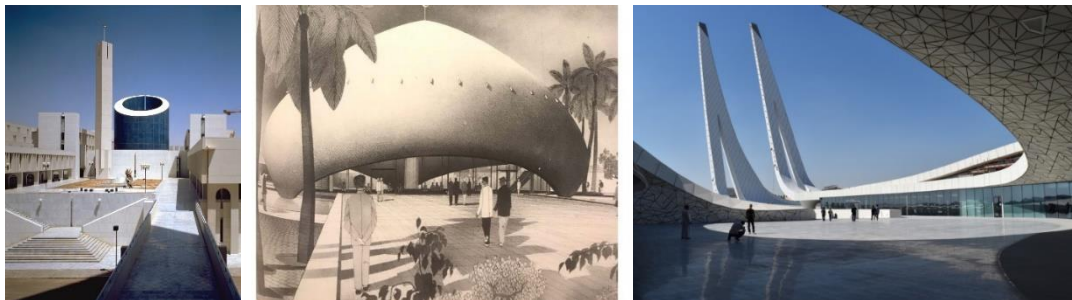
منبع: (زمرشیدی، ۱۳۸۸، ۴۱۶)

Fig. 1: South elevation of Sharif University Mosque (Zomarshidi 2009, 416)

در رویکرد دوم، معمار از عناصر و الگوهای تاریخی برداشت‌های انتزاعی انجام می‌دهد و تلاش می‌کند تا آن‌ها را در قالب‌هایی جدید به روزرسانی نماید، با این قید که معمار می‌کوشد تا اصول و قواعد کلی حاکم بر آن‌ها را حفظ و

برش خورده کار شده است یا به جای استقرار گنبد برفراز ساختمان زیرین و فاصله گرفتن از زمین، مستقیماً روی زمین نشاندۀ شود؛ ممکن است مناره‌ای کار شود که برخلاف تمام نمونه‌های تاریخی عمودی نیست بلکه مایل است و مانند این‌ها (شکل ۴). به بیان دیگر، می‌توان گفت عناصر سنتی کم‌وبیش ساختارشکنی می‌شوند و به شکل بسیار متفاوتی نسبت به نمونه‌های کلاسیک ارائه می‌گردند.

در رویکرد سوم، نیز مشابه رویکرد دوم نوعی ارجاع یا الهام گرفتن از منابع تاریخی صورت می‌گیرد، اما با این تفاوت که در این رویکرد طراح تأکیدی بر پای‌بندی به اصول و قواعد کلی حاکم بر منابع تاریخی ندارد و تلاش می‌کند تفسیری آزادانه و شخصی از مواجهه خود با این مراجع را ارائه نماید. بر این اساس، ممکن است برای مثال تفسیر شخصی جدیدی برای گنبد ارائه گردد که برخلاف گنبدهای سنتی و متعارف به شکل یک استوانه توخالی و

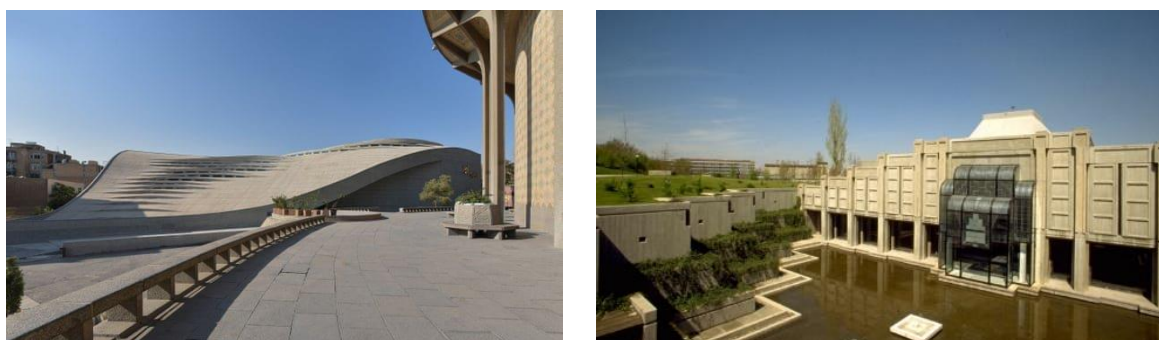


شکل ۴. نمونه‌هایی از برخورد چالشی با عناصر تاریخی مسجد. سمت چپ: مسجد بنیاد ملک فیصل، ریاض، وسط: طرح مسجد دانشگاه بغداد، سمت راست: مسجد مرکز مطالعات اسلامی، دوحه

Fig. 4: Examples of the challenging approach to the historical elements of the mosque. Left: King Faisal Foundation Mosque, Riyadh (https://en.tangeweb.com/works/works_no-59/). center: Baghdad University Mosque (<https://postwarcampus.wordpress.ncsu.edu/2018/05/07/walter-gropius-the-architects-collaborative-the-university-of-baghdad-baghdad-iraq-modern-ideals-and-regionalism-in-a-tumultuous-world/>), right: The Qatar Faculty of Islamic Studies' mosque, Doha (<https://alfozanaward.org/mosques/the-qatar-faculty-of-islamic-studies-qfis/>).

از مناره استفاده ننماید، یا مثلاً جداره‌های خارجی ساختمان مسجد را برخلاف عرف تاریخی به‌عنوان بخشی از محوطه‌سازی در نظر بگیرد و از هیچ نوع تاق و قوس و کتیبه سنتی یا انتزاع‌شده از سنت استفاده ننماید (شکل ۵). این چهار رویکرد در قالب یک طیف در جدول شماره ۳ ارائه شده‌اند.

در رویکرد چهارم، طراح در طراحی تمام یا بخشی از اندام‌های مسجد، به‌کل، قید ارجاع‌دادن به الگوهای تاریخی مساجد را می‌زند و می‌کوشد تا مستقیماً و بدون وساطت نمونه‌های تاریخی با موضوع طراحی مواجه شود و تا حد امکان ذهنش را درگیر تقلید یا تفسیر این الگوهای تاریخی ننماید. برای مثال، طراح تصمیم می‌گیرد تا در طرح مسجد



شکل ۵. نمونه‌هایی از قطع پیوند با الگوهای سنتی مسجد. سمت چپ: مسجد چهارراه ولیعصر تهران، سمت راست: مسجد مجلس ملی ترکیه
Fig. 5: Breaking with tradition. Left: Vali-asr Crossroad Mosque, Tehran (<https://www.yatzer.com/valiasr-mosque>), right: Turkish Grand National Assembly Mosque, Istanbul (<https://mosqpedia.org/en/mosque/298>)

جدول ۳. رویکردهای طراحی مساجد معاصر نسبت به الگوهای سنتی

Table 3. Design approaches of contemporary mosques towards traditional patterns

رویکردانی: عدم ارجاع به الگوهای تاریخی/ عدم استفاده از عنصر مورد نظر در طراحی	تفسیر چالشی: برداشت آزاد و شخصی از الگوهای تاریخی بدون تقید به اصول و قواعد کلی آن‌ها	تفسیر محافظه کارانه: برداشت انتزاعی از الگوهای تاریخی با حفظ اصول و قواعد کلی آن‌ها	تقلید: بازتولید فرم سنتی	کُد
مسجد سلمان، باندونگ، اندونزی	مسجد مرکز مطالعات اسلامی، دوحه، قطر	مسجد مرکزی کلن، آلمان	مسجد بزرگ العین، ابوظبی	مسجد دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
مسجد مجلس ملی ترکیه، آنکارا	مسجد مرکز مطالعات اسلامی، دوحه، قطر	مسجد آرکپیتا، بحرین	مسجد دانشگاه تهران، ایران	مسجد دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران
مسجد سانکا کالار، استانبول، ترکیه	مسجد ملک عبدالله، ریاض، عربستان	مسجد جامعه اسلامی شمال آمریکا، پلین فیلد، آمریکا	مسجد دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران	مسجد دانشگاه اراک، اراک، ایران
مسجد دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران	مسجد دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران	مسجد دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران	مسجد دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران	مسجد دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران

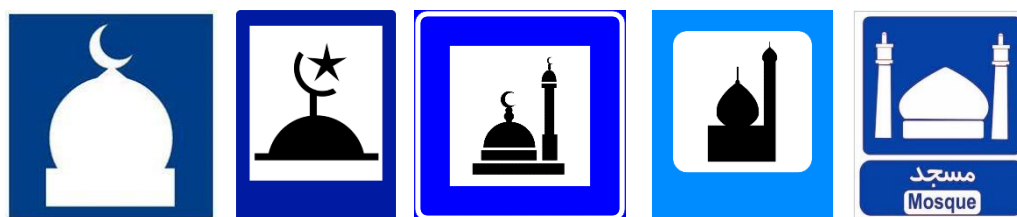
۴. تأملی در معنی و خاصیت رویکردها

می‌توان گفت در هریک از این رویکردها، موضوعات و مفاهیم خاصی مورد تأکید طراح است. در رویکرد اول، تأکید بر این است که ظاهر مسجد باید به سادگی برای عموم مردم یک جامعه قابل شناسایی باشد. مهدی حجت را می‌توان از بهترین تشریح‌کنندگان این رویکرد دانست. به بیان وی ایجاد تغییر در معماری مساجد سنتی در صورت لزوم باید با احتیاط فراوان صورت گیرد: «در واقع، معماری مسجد تا حدی می‌تواند تغییر کند که ساده‌ترین افراد جامعه

همچنان بتوانند مسجد بودن یک بنا را تشخیص دهند. به همین دلیل است که روحانیون تمام مذاهب، شکل پوشش ظاهری خودشان را اصلاً تغییر نمی‌دهند، چراکه آن‌ها باید در جامعه قابل تشخیص باشند، چون قرار است به آن‌ها مراجعه شود» (Honaronline 2020). وی بر این اساس معتقد است «به‌طور کلی در مورد مساجد، اصرار بر عوض کردن چیزی و به‌وجود آوردن نوآوری، یک اصرار غلط است» (Honaronline 2020). اینک معماری مسجد به واسطه سابقه تاریخی درخشانی که

دارد، تصویر ذهنی قدرتمندی در اذهان مخاطبان عام خود دارد که به‌سادگی قابل تغییر و جایگزینی نیست، یک واقعیت غیرقابل انکار است. در جهان سنتی انواع خاصی از سنت‌های معماری مسجد، به‌عنوان سنت‌های قدرتمندتر مطرح بوده‌اند که در جوامع مختلف نقش پُرننگی در شکل‌دادن به تصویر ذهنی مردم از مساجد سنتی داشته و دارند. برای مثال، مسجد شاه اصفهان را می‌توان نمونه‌ای از مساجدی دانست که در ذهن اکثر ایرانیان نمونه‌ای آرمانی برای یک مسجد ایرانی محسوب می‌شود و طی سده‌های اخیر مورد اقبال و تحسین ایرانیان بوده و هست. همچنین انواعی از معماری که در مقابر امامان و امامزادگان بزرگ

شیعه به‌کار گرفته می‌شده است، تصویر قدرتمندی از معماری مذهبی را در اذهان ایرانیان شکل داده است که سنت‌ها و الگوهای معماری دیگر، توان رقابت با آن را نداشته‌اند. از این روست که برای مثال در تابلوهای راهنمای جاده‌ای یا پیکتوگرام‌هایی که امروزه در ساختمان‌های عمومی سراسر دنیا برای معرفی فضاهای ساختمان‌ها به‌کار می‌روند، کاربرد عناصری مانند گنبد و مناره برای معرفی مسجد و نمازخانه بسیار رایج است و می‌تواند به سهولت با مخاطبان عام ارتباط برقرار نماید (شکل ۶).



شکل ۶. نمونه تابلوی راهنمای معرف مسجد در کشورهای مختلف. از راست به چپ: ایران، بنگلادش، اردن، اندونزی، مالزی.

Fig. 6: Sample signboards for mosque in different countries. From right to left: Iran, Bangladesh, Jordan, Indonesia, Malaysia.
(https://commons.wikimedia.org/wiki/Category:Mosque-related_road_signs)

به‌نظر می‌رسد این تأکید بر ارتباط برقرارکردن با عموم مردم جامعه با دیدگاه و تعالیم اسلامی هم‌سازگاری بالایی داشته باشد. اسلام دینی است که تلاش می‌کند تا به‌روشنی و با زبانی ساده و قابل فهم با عموم مردم ارتباط برقرار نماید و مثلاً یک فرقه رمزی و مرموز نیست که به‌دنبال مخاطبان خاص و مفهوم‌سازی‌های پیچیده و اسرارآمیز باشد.

علاوه‌بر جنبه قابل شناسایی‌بودن مسجد برای مخاطبان عام، استدلال دیگری که در دفاع از این رویکرد مطرح می‌شود، آن است که در مساجد سنتی می‌توان تجلی برخی اصول و ارزش‌های اسلامی را ملاحظه نمود که باعث می‌شود نتوان این سابقه تاریخی ارزشمند را نادیده گرفت یا حتی در آن تغییراتی اعمال نمود. لذا به‌واسطه درست‌بودن و ارزشمندبودن طرح معماری مساجد سنتی است که باید در شرایط امروز نیز از آن‌ها پیروی نمود. بهشتی در تحلیل خصوصیات مسجد ایرانی تا آنجا پیش می‌رود که الگوهای

رایج در معماری مساجد ایرانی به‌خصوص مساجد عصر صفوی را دارای منشأ آسمانی معرفی می‌نماید: «غرض از همه این مباحث آن است که مسجدی که در واقع سایه و مظهر کعبه است و قلب زمین محسوب می‌شود، به‌واسطه نسبت معنوی و ارتباط ملکوتی که با کعبه دارد، از حیث اسلوب معماری از همان الگویی تبعیت می‌کند که کعبه و عرش بر مبنای آن ساخته شده‌اند. به عبارت دیگر، نحوه سیر و سلوک نمازگزار در مسجد از لحظه مقابل شدن او با «جلوخان» مسجد تا عبور از «پیش‌طاق» و «هشتی» و ایوان و دالان و صحن و شبستان و گنبدخانه، و از گنبدخانه به آسمانه و شمسه، همگی برابر و به‌ازای مناسک و اعمالی است که در حج مقرر گردیده و کعبه نیز چنان‌که در احادیث آمده، از صورت معنوی عرش تبعیت می‌کند، پس در واقع طرح بنای مسجد از یک نقشه آسمانی پیروی می‌نماید» (Beheshti 2013, 80-81). در مقابل دیدگاه فوق، نگارنده حاضر بر این اعتقاد است که

در کاربرد این رویکرد باید احتیاط نمود که عناصر معماری مساجد سنتی واجد تقدس ذاتی پنداشته نشوند. با نگاه به تاریخ معماری مساجد در سرزمین‌های مختلف اسلامی می‌توان ملاحظه کرد که عناصر کالبدی مساجد همواره در حال تغییر و تحول بوده‌اند. البته کیفیات ارزشمند ذاتی این عناصر کالبدی از نظر هنری و زیبایی شناختی جای هیچ انکار ندارد، ولی در مجموع، با نگاه از منظر ادراکی، علت موجه اینکه معماران تلاش دارند همچنان این عناصر را در معماری مساجد معاصر تداوم بخشند، نباید تقدس ذاتی این عناصر دانسته شود، بلکه باید کارکردها و خاصیت‌هایی باشد که بر کاربرد این عناصر مترتب است. ازجمله این خاصیت‌ها پاسخگویی به نیاز مخاطبان عام برای تشخیص دادن مسجد و احساس انس و آشنایی کردن با آن است. در رویکرد دوم تأکید بر آشتی سنت و مدرنیته است

که در آن طراح می‌کوشد تا هم مدرن و امروزمین باشد و هم ریشه در سنت‌ها داشته باشد. این رویکرد در کل، دیدگاهی آشتی‌جویانه را در نزاع بین سنت و مدرنیته دنبال می‌نماید و می‌کوشد تا به‌کل، جانب یکی از دو سوی دعوا را نگیرد و دیگری را تماماً نفی نکند.

تأکید بر نقش ریشه‌های تاریخی در تعریف هویت ملی و منطقه‌ای را می‌توان با رویکرد شماره یک و دو هماهنگ‌تر دانست. در جهان امروز، در بسیاری از کشورها، به‌نوعی در خلال این رویکردها دغدغه هویت سیاسی و ملی دنبال می‌شود. برای مثال، رقابت‌های منطقه‌ای کشورهای مسلمان یکی از عواملی است که باعث می‌شود در بسیاری از مساجد بزرگ مقیاس جدید تلاش شود تا هویت ملی با ارجاع به سبک‌های معماری خاص هر کشور مورد تأکید قرار گیرد (شکل ۷).



شکل ۷. در بزرگ‌ترین مساجد معاصر کشورهای اسلامی که دارای سنت‌های معماری قدرتمندی هستند، غالباً از طریق ارجاع به سبک‌های تاریخی هر کشور بر هویت ملی تأکید می‌شود. چپ: مصلی امام خمینی تهران، وسط: مسجد الفتح العلیم در مصر، راست: مسجد چاملجا در ترکیه.

Figure 7. In the largest contemporary mosques of Islamic countries, which enjoy strong architectural traditions, national identity is often emphasized by referring to the historical styles of each country. Left: Imam Khomeini Mosque in Tehran, (Source: <https://islamicarchitecture.ir>). Middle: Al-Fatah Al-Alim Mosque in Egypt, (Source: <https://www.egypttoday.com>). Right: Çamlıca Mosque in Istanbul, Turkey (Source: https://en.wikipedia.org/wiki/Çamlıca_Mosque)

در رویکرد سوم، تأکید بر خلاقیت طراح و ارائه تفسیرهای شخصی، جسورانه و چالشی از عناصر تاریخی معماری است. در این رویکرد، به‌روزدن، نو بودن و متفاوت بودن مهم‌تر از تبعیت از قواعد تاریخی دانسته می‌شود و برداشت‌های شخصی هنرمند طراح برتر از قوانین و قواعد جاافتاده و کلیشه‌های تاریخی طراحی محسوب می‌گردد. در این رویکرد، همچنان ارجاع و اشاره به عناصر و الگوهای تاریخی در طرح مورد نظر اتفاق می‌افتد، ولی مقدار تغییرات و دستکاری طراح در الگوهای تاریخی به‌حدی است که رنگ و بوی ساختار شکنانه به خود می‌گیرد. لذا می‌تواند گویای دیدگاه‌های انتقادی و چالشی طراح

نسبت به تفسیرهای رایج و جاافتاده از مسجد و در نگاه کلی تر تعالیم اسلامی باشد. نگارنده تاکنون نمونه‌ای از مساجدی را ندیده است که با چنین رویکردی طراحی شده باشند و در عین حال، مساجدی اصولی و قابل توجه قلمداد شوند.

در رویکرد چهارم، تأکید بر طراحی بر اساس اصول اولیه، قطع نظر از سوابق تاریخی است. در این رویکرد، معمولاً معمار قصد ارائه تفسیری خاص و متفاوت نسبت به الگوهای رایج و متداول مساجد دارد و نحوه مواجهه طراح با عنصر گنبد و مناره و تزئینات سنتی مسجد به این شکل است که اساساً تمام یا برخی از آن‌ها را در طرح خویش

به‌کار نمی‌گیرد. محصول این نگاه، مساجدی است که با ایده‌های خاص شکل می‌گیرند و به جای مخاطبان عام، عمدتاً به برخی مخاطبان خاص توجه دارند. برای مثال، در مسجد مجلس ملی ترکیه که مسجدی بدون گنبد و مناره و سایر نمادهای معماری اسلامی ترکیه است و تا نیمه در خاک مدفون شده است، نحوه طراحی مسجد «اعلام می‌کند که در داخل حکومت جایی برای نماز وجود دارد، اما اسلام را به‌عنوان دلیل وجودی کشور در نظر نمی‌گیرد» (Khan 2008, 53). مثال دیگر، طراح مسجد پن‌نبرگ در آلمان، «شفافیت» را به‌عنوان ایده محوری در طرح این اثر در نظر می‌گیرد تا به عقیده وی عابران و رهگذران از بیرون مسجد بتوانند آنچه را درون مسجد اتفاق می‌افتد، با چشمان خود ببینند تا بدین ترتیب با برخی تصورات منفی که در جوامع غربی به‌ویژه آلمان در مورد ارتباط اسلام و مراکز اسلامی با تروریسم وجود دارد، به‌ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، مقابله شود (Hoteit 2015, 13555). در این مساجد ارتباط با عناصر تاریخی تعریف‌کننده مسجد در سرزمین‌های اسلامی، به‌صورت کاملاً حداقلی در نظر گرفته شده است و تقریباً می‌توان گفت هیچ ارجاعی به سنت‌های معماری مسجد کشورهای اسلامی داده نمی‌شود.

در خصوص تشخیص این رویکرد، باید توجه داشت که در سنت معماری مساجد می‌توان به نمونه‌هایی برخورد که به‌طور سستی از گنبد و مناره استفاده نمی‌کرده‌اند. برای مثال، مسجد وکیل در شیراز جزو سستی از مساجد ایرانی محسوب می‌شود که از گنبد و مناره استفاده نمی‌کرده‌اند و صرفاً در جداره‌سازی‌ها دارای ایوان‌هایی بوده‌اند. یا در مناطق حاشیه جنوبی دریای خزر به‌طور سستی، مساجد بدون گنبد و صرفاً با گلدسته‌های به‌نسبت کوتاهی کار می‌شده‌اند. در تشخیص رویکرد چهارم، باید توجه داشت که معمار به‌دنبال ارجاع دادن به این سنت‌های خاص مسجد نیز نیست بلکه می‌کوشد تا حد امکان، مواجهه‌ای مستقیم و بدون وساطت نمونه‌های تاریخی با معماری مسجد را دنبال نماید. بدین ترتیب، کلیدواژه این نوع مواجهه با معماری مسجد، خاص بودن و خارج بودن از جریان‌های غالب و رایج است.

کراس در تشریح مدل‌های توصیفی طراحی خلاقانه، جایگاه طراحی بر اساس اصول اولیه را «در هسته مرکزی هر نوع فهم قابل توجه از طراحی» بیان می‌دارد که در آن «طراحی با شناسایی خواسته‌ها یا کارکردهای مطلوب و استدلال از آن‌ها به سمت فرم یا ساختارهای مناسب پیش می‌رود» (Cross 1997, 437). در این ارتباط می‌توان به دیدگاه الکساندر در مواجهه مستقیم، مسئولانه و خودآگاهانه با مسئله طراحی اشاره نمود که در آن اتکای طراح به پاسخ‌های ازپیش‌آماده، مانعی برای تفکر طراحی حقیقی محسوب می‌شود (see: Alexander 1964).

در معماری مسجد یک‌سری اصول در میان هستند که با رجوع به منابع اصیل اسلامی و بر اساس استدلال منطقی قابل حصول‌اند و طبیعتاً فراتر از زمان و مکان خاص می‌باشند و برای مثال بستگی به نظر و پسند مخاطبان ندارند. مثل اینکه معماری مسجد باید مخاطب را به تأمل و سیر در آنفس ترغیب نماید. همان‌گونه که نقره‌کار بیان نموده است: «انتخاب ایده فضایی و هندسی در طراحی مساجد باید ... تمرکزآفرین، وحدت‌بخش و آرامش‌بخش باشد تا سکون فیزیکی مقدمه مناسبی برای تفکر و تذکر عقلانی و حضور قلب و شهود عرفانی باشد و حیات معنوی و روحانی انسان انبساط‌یافته و شکوفا گردد» (Noqrekar 2008, 530). معماری که از منظر چنین اصولی به طراحی مسجد نزدیک می‌شود، الزاماً به معماری مسجد از دریچه سبک‌های تاریخی نمی‌نگرد و صرفاً تلاش می‌کند تا فرم‌های مناسب برای این خواسته‌های اصولی را به‌کار گیرد.

۵. مثال‌هایی برای تشریح کارکرد دسته‌بندی پیشنهادی

در جدول ۴ تلاش شده است تا نمونه‌هایی از کاربرد روش دسته‌بندی پیشنهادی به نمایش درآورده شود. هرچند تعداد نمونه‌های قابل بررسی محدودیتی ندارد، در این جدول برای نمونه دوازده مسجد تحلیل شده است. در ادامه، برخی قابلیت‌ها و مزیت‌های روش تحلیل پیشنهادی معرفی می‌شود.

جدول ۴. مثال‌هایی برای کاربرد دسته‌بندی پیشنهادی

Table 4. Examples of the application of the proposed classification method

ردیف	مسجد مورد نظر	عناصر کالبدی	رویکردهای معمارانه نسبت به سبک‌های طراحی مسجد					کد اختصاص یافته
			تقلید	تفسیر محافظه کارانه	تفسیر چالشی	تفسیر چالشی	تفسیر چالشی	
			۵	۴	۳	۲	۱	
۱	مسجد دانشگاه صنعتی شریف	گنبد	■					۵-۵-۵
		مناره	■					
		جداره‌های خارجی	■					
۲	مسجد شیخ زاید ابوظبی	گنبد	■					۵-۵-۵
		مناره	■					
		جداره‌های خارجی	■					
۳	مسجد دانشگاه شیراز	گنبد	■					۳-۴-۵
		مناره		■				
		جداره‌های خارجی			■			
۴	مسجد دانشگاه تهران	گنبد			■			۳-۳-۳
		مناره			■			
		جداره‌های خارجی			■			
۵	مسجد استقلال چاکارتا	گنبد			■			۰-۳-۳
		مناره			■			
		جداره‌های خارجی				■		
۶	مسجد دانشگاه شهید بهشتی	گنبد					■	۳-۱-۰
		مناره				■		
		جداره‌های خارجی			■			
۷	مسجد سلمان دانشگاه پاندونگ	گنبد					■	۰-۳-۰
		مناره			■			
		جداره‌های خارجی					■	
۸	مسجد منطقه تجاری ملک عبدالله، ریاض	گنبد					■	۰-۱-۰
		مناره				■		
		جداره‌های خارجی					■	
۹	مسجد مجلس ملی ترکیه	گنبد			■			۰-۰-۲
		مناره					■	
		جداره‌های خارجی					■	
۱۰	مسجد دانشگاه جندی شاپور	گنبد				■		۰-۰-۱
		مناره					■	
		جداره‌های خارجی					■	
۱۱	مسجد جامعه اسلامی آمریکا	گنبد					■	۲-۰-۰
		مناره					■	
		جداره‌های خارجی			■			
۱۲	مسجد چهارراه ولیعصر، تهران	گنبد					■	۰-۰-۰
		مناره					■	
		جداره‌های خارجی					■	

۱-۵. تبیین خصوصیات کالبدی مسجد

یکی از کاربردهای این روش این است که در آن، از برخی جنبه‌ها، تصویر دقیق‌تری نسبت به دسته‌بندی‌های پیشنهادی ارائه می‌شود و

برخی نقاط ضعف مدل‌های موجود پوشش می‌یابد. برای مثال، وقتی یک نمونه مسجد در مدل سراج‌الدین به عنوان «مدرن انطباق یافته» یا «عامه‌پسند» دسته‌بندی می‌شود، هنوز چندان مشخص

نیست که مسجد مورد نظر واقعاً از نظر فرم چگونه خواهد بود، درحالی که در مدل پیشنهادی به‌طور ملموس به این موضوع نگریسته می‌شود که در طراحی گنبد و مناره و جداره‌های خارجی مسجد مورد نظر چه نسبتی با سنت‌های معماری مسجد برقرار شده است. لذا می‌تواند تصویری به‌نسبت دقیق‌تر از وضعیت مسجد مورد نظر را ارائه نماید.

در مسجد سلمان در دانشگاه باندونگ در اندونزی که در دسته‌بندی‌های موجود معمولاً جزو مساجد «مدرن» دسته‌بندی شده است، مشاهده می‌شود که گنبد به‌کار گرفته نشده است، درحالی که مناره به شکلی انتزاعیافته و ساده‌شده در طرح استفاده شده است. طبق

روش پیشنهادی به این مسجد امتیاز (۰-۳-۰) داده می‌شود که به شکل دقیق‌تری بیان می‌نماید که معمار در طراحی مسجد چه رویکردی داشته است. یا مسجد استقلال جاکارتا نیز که در اکثر دسته‌بندی‌های موجود به‌سادگی یک مسجد «مدرن» نامیده می‌شود، از نظر دسته‌بندی پیشنهادی امتیاز (۰-۳-۳) را می‌گیرد. یعنی هم دارای گنبد است و هم مناره دارد و طراح با رویکردی محافظه‌کارانه در آن‌ها دست به تفسیر و ابداع زده است، ولی در نازک‌کاری جداره‌های بیرونی ساختمان اثری از الگوهای سنتی مساجد دیده نمی‌شود (جدول ۵).

جدول ۵. مثالی برای بیان دقت و شفافیت روش پیشنهادی پژوهش حاضر برای توصیف ویژگی‌های فرمی بیرونی مساجد در مقایسه با سایر دسته‌بندی‌ها
Table 5. An example to express the accuracy of the proposed method of the current research to describe the external formal characteristics of mosques compared to other categorisations

نمونه مسجد	نظریه‌پرداز	دسته‌بندی رویکرد معمارانه مسجد
	احسان فتحی	معاصر / مدرن
	اسماعیل سراج‌الدین	مدرن انطباق‌یافته
	محمد الاسد	نامشخص
	حسن‌الدین خان	کلاسیک معاصر (کلاسیسیم پست‌مدرن)
	ادین یاهیس	منطقه‌گرا
	اسکار وراکاپ	مسجد معاصر
	مهدوی‌نژاد، مشایخی، بهرامی	نوگرایی ناب‌گرا
	عیسی حجت	مدرن مزین به سنت
	حمزه‌نژاد و امیرآبادی فراهانی	فرانزگرا (پست‌مدرن)
	بر اساس روش پژوهش حاضر	دارای رویکرد تفسیر محافظه‌کارانه نسبت به سنت‌های طراحی گنبد و مناره و در عین حال رویکردان از سنت‌های تاریخی طراحی جداره‌های خارجی مسجد (۰-۳-۳)

مسجد استقلال در جاکارتا

۲-۵. تبیین مساجد قابل تشخیص و غیرقابل تشخیص

مدل‌های موجود نمی‌توانند به‌خوبی «قابل شناسایی بودن» مسجد را تبیین نمایند. یک مسجد که از نظر سراج‌الدین با رویکرد مدرنیستی کار شده است، همچنان ممکن است برای مخاطبان عام معماری به‌خوبی قابل شناسایی باشد یا اینکه بسیار مبهم و گنگ ارزیابی گردد. این امر بستگی به این دارد که از عناصر سنتی مسجد استفاده شده است یا خیر، و در صورت

استفاده، به چه کیفیتی استفاده شده است. به بیان دیگر، مدرن‌بودن مسجد الزاماً به معنای ناآشنا و غیرقابل شناسایی بودن آن نیست.

بر اساس مدل پیشنهادی می‌توان گفت، به‌نظر می‌رسد برای کسی که مخاطب نمای بیرونی یک مسجد قرار می‌گیرد، با در نظر گرفتن مجموعه پیشینه ذهنی‌ای که از معماری مساجد سنتی فرهنگ خویش در اختیار دارد، هرچقدر تعداد عناصری که در نیمه چپ جدول جای می‌گیرند، بیشتر باشد، مسجد مورد

نظر بیشتر قابل شناسایی خواهد بود. به بیان دیگر، به نظر می‌رسد برای اینکه نمای بیرونی مسجد برای عامه مردم به‌سادگی قابل تشخیص و شناسایی باشد، لازم است که حداقل یکی از سه عنصر اصلی مسجد، از میانه طیف به سمت انتهای سستی جای گرفته باشد و در کد اختصاص یافته به مسجد دست‌کم یکی از اعداد بزرگ‌تر از سه یا برابر با آن باشد. برای مثال، در مساجد ردیف‌های ۱ تا ۷ از جدول ۳ مشاهده می‌شود که همه یا حداقل یکی از عناصر سه‌گانه اصلی یا با رویکرد تقلیدی یا با رویکرد تفسیر محافظه‌کارانه نسبت به سنت‌های گذشته معماری مسجد طراحی شده‌اند، لذا به نظر می‌رسد برای مخاطبان عام مسجد در صورتی که به بستر فرهنگی مرتبط تعلق داشته باشند، کم‌وبیش به عنوان «مسجد» قابل شناسایی خواهند بود.

برای مثال، مسجد دانشگاه صنعتی شریف با دریافت کد ۵-۵-۵ به سهولت برای مخاطبان ایرانی قابل تشخیص است و این «قابل تشخیص بودن» ناشی از آن است که طراح در هر سه عنصر کالبدی اصلی مسجد از سنت‌های معماری ایرانی مرتبط پیروی کرده است. در حالی که در مسجد سلمان دانشگاه باندونگ (کد ۰-۳-۰)، آنچه توانسته است بنای مسجد را از گنگ و مبهم بودن نجات دهد، کاربرد عنصر مناره به شیوه‌ای کم‌وبیش سنت‌گراست.

به نظر می‌رسد مساجدی که هر سه عنصر اصلی آن‌ها در نیمه سمت راست جدول جای می‌گیرند، از لحاظ قابل تشخیص بودن برای عامه مردم، مساجد گنگ و مبهمی خواهند بود و هرچقدر تعداد عناصری که در انتهای راست جدول قرار می‌گیرند، بیشتر باشد، احتمالاً قابل تشخیص بودن مسجد مورد نظر کمتر خواهد شد.

۳-۵. تبیین مساجد التقاط‌گرا و همگن

مساجدی که در طراحی گنبد، مناره و جداره‌های خارجی آن‌ها سبک‌های متفاوتی به عنوان سبک مبنا مورد ارجاع قرار گرفته است، مساجد التقاط‌گرا محسوب می‌شوند. برای مثال، مسجد جامع شیخ زائد در ابوظبی نمونه‌ای از مساجدی هست که هرچند در طراحی گنبد، مناره و جداره‌های خارجی رویکرد طراحی یکسانی را

در توضیح این الگو می‌توان به مسجد چهارراه ولیعصر تهران (با کد ۰-۰-۰) اشاره نمود که هیچ نوع ارجاع به سنت‌های تاریخی مسجد در نمای بیرونی آن دیده نمی‌شود و بر این اساس مساجدی گنگ و مبهم ارزیابی می‌گردد، در حالی که در مسجد دانشگاه شهید بهشتی (کد ۰-۱-۳) با وجود اینکه از گنبد استفاده نشده است و با مناره هم به صورت تفسیری شخصی و آزادانه برخورد شده است، اما به واسطه کاربرد کتیبه‌های سستی آیات قرآن در جداره‌های بیرونی بنا، می‌تواند همچنان برای مخاطبان قابل تشخیص باقی بماند.

گلزار حیدر بعد از حدود یک‌دهه که به مسجد طراحی شده خود برای جامعه اسلامی آمریکای شمالی مراجعه نمود (کد ۰-۰-۲) و بازخورد متولیان مسجد درباره طرح ساختمان را جویا شد، در این باره بیان می‌دارد که «جالب است که مسئولان مسجد که یک‌دهه قبل به این بنا افتخار می‌کردند، حالا شروع به نشان دادن علائمی کرده‌اند که پیروان مکتب فروید می‌توانند آن را به عنوان اختلال «رشد بردن به گنبد و مناره» شناسایی کنند» (Haider, 160, 1990). به بیان ساده‌تر، وی با این پاسخ مواجه شد که: ای کاش در این مسجد گنبد یا مناره‌ای وجود می‌داشت تا برای مردم بهتر قابل تشخیص باشد. می‌توان گفت اگر این مسجد دست‌کم در جداره خارجی خود به الگوهای تاریخی ارجاعات پررنگ‌تری می‌داد، با چنین مشکلی مواجه نمی‌شد. برای مثال، اگر مشابه مسجد دانشگاه شهید بهشتی، در جداره بیرونی خود مزین به آیات قرآن می‌شد، این مشکل تا حدود زیادی مرتفع می‌گردید. چه‌بسا بنای شاخص‌ترین مساجد تاریخی ایران هم تازمانی که با انواع تزئینات، کاشی‌کاری و کتیبه‌های قرآنی آراسته نمی‌شدند، به سهولت به عنوان مسجد قابل تشخیص نبودند.

دنبال نموده است (کد ۵-۵-۵)، اما از آنجاکه از سنت‌های مختلف معماری مسجد الگو می‌گیرد، مساجد التقاط‌گرا محسوب می‌شود. در این مسجد گنبد‌های به سبک مساجد هندی-مغولی با قوس‌های به سبک شمال آفریقا و مناره‌های به سبک عربی در تلفیق با هم به کار گرفته شده‌اند (جدول ۶).

جدول ۶ مثالی برای کاربرد دسته‌بندی پیشنهادی برای تحلیل وضعیت مسجد از نظر التقاط‌گرایی یا اصالت سبکی
Table 6. An example for the application of the proposed classification to analyze the status of the mosque in terms of eclecticism or stylistic originality

مسجد شیخ زائد بن سلطان آل نهیان			
عنصر کالبدی	گنبد	مناره	سایر جداره‌های خارجی
سنت مینا			
	سنت گنبدهای هندی-مغولی	سنت مناره‌های مملوکی (مصر)	سنت نماسازی آندلسی
رویکرد طراحی	تقلیدگرا	تقلیدگرا	تقلیدگرا
محصول طراحی			
			

۴-۵. تبیین مساجد واجد تازگی و مساجد فاقد تازگی

روش تحلیلی پیشنهادی می‌تواند در تشخیص اینکه احتمالاً کدام مساجد از نظر مخاطبان، نو و متفاوت ادراک خواهند شد و کدام قدیمی و تکراری، کارایی داشته باشد. به نظر می‌رسد هرچقدر که طرح معماری مسجدی بیشتر از الگوهای سنتی تقلید نماید، بیشتر به عنوان مسجدی قدیمی و تکراری ادراک خواهد شد و هرچه از تقلید فاصله بگیرد، واجد تازگی و تفاوت بیشتری ارزیابی خواهد شد. برای مثال، مسجد دانشگاه صنعتی شریف (کد ۵-۵-۵) در ارجاع به سبک اصفهانی دارای وحدت رویه است که می‌تواند یک حسن برای آن محسوب شود، اما می‌توان گفت از لحاظ

وضعیت دیگری که در این ارتباط قابل تشخیص است به میزان پراکندگی رویکردهای طراحی مورد استفاده برای هریک از سه عنصر اصلی برمی‌گردد. مساجدی که در طراحی گنبد، مناره و جداره‌های خارجی آن‌ها رویکردهای طراحی متفاوتی در پیش گرفته شده است، می‌توانند مساجد دورگه نامیده شوند. برای مثال، در مسجد دانشگاه شیراز (کد ۳-۴-۵) می‌توان رویکرد تقلیدگرا نسبت به گنبد به سبک تیموری، رویکرد تفسیرگرایی با محافظه‌کاری بالا نسبت به مناره و رویکرد تفسیرگرایی با محافظه‌کاری کمتر نسبت به جداره‌های خارجی را در کنار هم دید یا در مسجد سلمان دانشگاه باندونگ (کد ۰-۳-۰) تلفیق مناره با ساختمان مدرنیستی مسجد، آن را تبدیل به یک معماری دورگه می‌نماید.

نوآوری در بیان معماری ضعف دارد.

باید توجه داشت که تقلید از سبک‌های گذشته معماری مسجد ماهیت پیوستاری دارد و یک امر صفر و یکی محسوب نمی‌شود. ایجاد تفاوت در هریک از خصوصیات بصری سبک‌های گذشته از قبیل رنگ‌بندی، مصالح، فرم، بافت و غیره می‌تواند به ایجاد تازگی در طرح معماری منجر گردد. تفاوت با الگوهای سنتی می‌تواند در موضوعاتی مثل ابعاد و مقیاس پروژه هم باشد. مثلاً

پروژه‌هایی که عیناً با الگوهای سنتی کار می‌شوند، اما با مقیاسی به مراتب بزرگ‌تر در نظر گرفته می‌شوند، می‌توانند واجد نوعی تازگی ارزیابی شوند. به‌رحال، علاوه‌بر قابل شناسایی بودن برای مخاطبان، خواسته دیگری که از یک طرح معماری خوب برای مسجد معاصر انتظار می‌رود، این است که در نگاه مخاطبان تا اندازه‌ای واجد تازگی و بداعت ارزیابی شود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، پس از مروری انتقادی بر دسته‌بندی‌های موجود برای رویکردهای معماری مساجد معاصر، رویکردهای قابل تصور نسبت به سنت‌های گذشته معماری مسجد به چهار دسته تقسیم گردید و تلاش شد تا قابلیت‌ها و کاربردهای این روش پیشنهادی تشریح گردد. این چهار رویکرد، مجموعه امکاناتی هستند که معماران عصر حاضر در مواجهه با مسئله طراحی مسجد در اختیار دارند و دیدگاه پژوهش حاضر این است که هیچ‌یک از این رویکردها ذاتاً درست یا غلط نیستند بلکه مهم این است که بجا و به‌طرز مناسبی استفاده شوند. آنچه مهم است مواجهه مسئولانه و آگاهانه با مسئله طراحی پیش روی طراح معمار است.

رویکرد اول، در حالت مطلوبش می‌تواند کاوشی در معماری تاریخی و تلاشی برای حفاظت از میراث معماری گذشته و افزایش آگاهی و دلبستگی جامعه نسبت به میراث گرانبهای معماری خویش و در نهایت، ارتقای هویت قومی را به‌همراه آورد. این رویکرد در حالت نامطلوبش می‌تواند سطحی‌نگری و قشری‌گرایی و در حالت شدیدش جزم‌گرایی، بستن راه هرگونه اندیشه‌ورزی و نقد سازنده نسبت به معماری مسجد و به‌طور کلی دین اسلام را به نمایش بگذارد.

در یک پروژه طراحی مسجد، رویکردهای دوم و سوم نیز می‌توانند در حالت مطلوب یا نامطلوب خود دنبال شوند. رویکرد دوم می‌تواند در حالت مطلوب خود آشتی بین دلبستگی به معماری سنتی و پذیرش معماری روز را به

ارمغان بیاورد. رویکرد سوم می‌تواند در حالت مطلوب خود به ارائه تفسیرهای شخصی نو و چالشی نسبت به سنت‌های رایج معماری مسجد بینجامد که در عین حال اصولی و عمیق‌اند.

رویکرد چهارم (رویگردانی از برخی سنت‌های معماری) می‌تواند در حالت مطلوب خود به اصولگرایی واقعی در معماری بینجامد که می‌تواند به پیدایش جریان‌های خلاقانه حقیقی منجر گردد که راه‌های جدیدی را به روی سایر معماران معاصر می‌گستراند. درحالی‌که این رویکرد در حالت نامطلوب خود می‌تواند به شکل‌گیری آثار معماری غیراصولی و ناهنجار منجر شود. در این زمینه می‌توان برای نمونه به مسجد چهارراه ولیعصر تهران اشاره نمود (see: Hamzenejad and Arabi 2014). زمانی که مسئله طراحی مسجد به دلایل مختلف به یک مسئله خاص تبدیل می‌شود، ناگزیر باید به دنبال پاسخ‌های خاصی برای آن بود که البته همچنان می‌تواند اصولی و صحیح باشد. چه‌بسا در جامعه‌ای که در آن یک انقلاب اندیشه‌ای بزرگ رخ داده است و تلاش می‌کند تا الگوهای اصیل و ناب اسلامی را در ساختارهای متنوع اجتماعی شناسایی و عرضه نماید، مواجهه مستقیم با مسئله طراحی مسجد بدون وساطت عناصر تاریخی امری پسندیده باشد و مقبول عام و خاص واقع شود. در جدول ۷ چکیده‌ای از خصوصیات و معانی مترتب بر هریک از رویکردهای چهارگانه طراحی مسجد عرضه شده است.

جدول ۷. خصوصیات و معانی رویکردهای مختلف طراحی مساجد معاصر از لحاظ ارتباط با سنت‌های تاریخی معماری مسجد

Table 7. Characteristics and meanings of different approaches to the design of contemporary mosques in terms of connection with the historical traditions of mosque architecture

رویکرد	عنوان	خصوصیات و معانی
۱	تقلید از سنت‌های تاریخی معماری مسجد	• تأکید بر آشنا و مأنوس بودن فرم مسجد در مقابل ناآشنا بودن فرم آن برای مخاطبان: مسجد باید به‌سادگی برای عموم مخاطبانش قابل شناسایی و تشخیص باشد. • در معماری مساجد برجسته سنتی، رموز و ارزش‌هایی نهفته است که ممکن است از آن‌ها آگاه نباشیم. لذا بهتر است بر اساس اصل عقلایی تقلید جاهل از عالم از آن‌ها تقلید نماییم. • در این رویکرد بر هویت ملی یا منطقه‌ای تأکید می‌شود. • تقلید از معماری سنتی هر قوم و ملتی در دوران معاصر می‌تواند از لحاظ حفاظت از میراث معماری گذشته و ترویج و شناساندن آن به جامعه اثرگذاری مثبت داشته باشد.
۲	تفسیر محافظه‌کارانه سنت‌های تاریخی معماری مسجد	• تأکید بر مواجهه محافظه‌کارانه و آشتی‌جویانه با مسئله تقابل سنت و مدرنیته • تأکید بر آشتی و گفت‌وگو بین معماری سنتی و معماری معاصر • تأکید بر امکان تازه‌کردن و به‌روز رسانی معماری سنتی در دنیای مدرن • تأکید بر هویت ملی و منطقه‌ای در تعامل مثبت با جهانی‌شدن
۳	تفسیر چالشی سنت‌های تاریخی معماری مسجد	• تأکید بر برخورد جسورانه و ارائه تفسیرهای شخصی یا چالشی از عناصر تاریخی معماری مسجد توسط هنرمند معمار • تأکید بر متفاوت بودن نسبت به جریان‌های متداول معماری مسجد • تأکید بر تازگی و عدم تکرار معماری گذشته از طریق دستکاری و به‌چالش کشیدن اصول و قواعد متداول آن • تأکید بر عدم تقدس قواعد و عناصر معماری سنتی و اعتقاد به جانز بودن ساختار شکنی و درهم‌ریختن قواعد و عناصر سنت‌های معماری مسجد
۴	صرف نظر از تقلید یا تفسیر سنت‌های تاریخی معماری مسجد	• تأکید بر عدم کاربرد یا ارجاع به عناصر و قواعد سنت‌های معماری مسجد • مواجهه مستقیم و آزاد با معماری مسجد بدون وساطت عناصر سنتی و تاریخی معماری مسجد • تأکید بر مخاطبان خاص به جای مخاطبان عام • تأکید بر بیان پیام‌ها و اندیشه‌های خاص توسط معماری مسجد به جای ارائه پیام‌ها و اندیشه‌های متداول و مرسوم

حاضر حاصل پژوهشی از نوع استدلال منطقی است، شایسته است که به طُرُق مختلف به محک آزمایش در عرصه‌های مختلف واقعیت طراحی مسجد گذاشته شود تا صحت و اعتبار بیرونی آن ارزیابی شود و در صورت لزوم اصلاحاتی در آن اعمال گردد. برای مثال، در پژوهش‌های آتی می‌توان بررسی کرد که این روش دسته‌بندی رویکردهای معماری مساجد از نظر طراحان حرفه‌ای مساجد معاصر تا چه حد معتبر و مفید قلمداد می‌شود؛ یا تا چه حد در پیش‌بینی واکنش مخاطبان نسبت به فرم بیرونی مسجد موفق عمل می‌نماید؛ به‌کارگیری این دسته‌بندی تا چه حد می‌تواند به ارتقای آموزش طراحی مسجد به دانشجویان معماری کمک نماید؛ یا استفاده از این مدل تا چه حد می‌تواند به تفاهم و تعامل مثبت بین معماران و کارفرمایان پروژه‌های مسجد کمک کند.

معماران مساجد معاصر نباید از امکانات معماری که در اختیار دارند غافل شوند و صرفاً به تقلید از معماری گذشته روی آورند. راه برای خلاقیت و نوآوری اصولی بسته نیست. به بیان کوبان «چسبیدن به فرم‌های قدیمی یعنی اعتراف صریح به اینکه مسلمانان از آفرینش، از نوسازی، و در نتیجه از بقا عاجزند» (Kuban 1990, 135). در عین حال، احتیاط شرط عقل است و در مواجهه با سنت‌های کهن معماری مسجد نباید جانب احتیاط را فرو گذاشت. بنابراین، باید آگاهانه با مسئله طراحی مسجد مواجه شد و در مواقع لزوم شجاعت مخالفت با الگوهای تاریخی را داشت. هم تقلید از الگوهای تاریخی باید تقلیدی آگاهانه و از روی حکمت باشد و هم مخالفت با الگوهای سنتی رایج باید آگاهانه و حکیمانه باشد.

در انتها، می‌توان به مسیر ادامه پژوهش حاضر اشاراتی داشت. نظر به اینکه دسته‌بندی تدوین‌شده در پژوهش

پی‌نوشت‌ها

دارند و از این حیث بر قابل تشخیص بودن نمونه‌های جدید مسجد توسط مخاطب بسیار تعیین‌کننده واقع می‌شوند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: (Lawson 2012).

۱. اشاره به مفهوم اسکیم (Schemata) یا طرح‌واره ذهنی که یکی از مفاهیم جافاتاده حوزه روانشناسی شناختی است، می‌تواند در اینجا مفید باشد. می‌توان گفت سنت‌های شناخته‌شده معماری مساجد، نقش پررنگی در شکل‌دادن به اسکیمای مسجد در ذهن مخاطبان

فهرست منابع

- بهشتی، سید محمد. ۱۳۸۹. مسجد ایرانی مکان معراج مؤمنین. تهران: روزنه.
- حجت، عیسی. ۱۳۹۴. سنت سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران. معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، ۲۰: ۱، ۵-۱۶.
- هنرآنلاین. ۱۳۹۹. مهدی حجت: معماری مسجد نباید بی‌هویت شود. پایگاه خبری هنرآنلاین، کد خبر: ۱۴۷۶۶۳، ۱۳۹۹/۰۲/۰۹. آدرس: <http://www.honaronline.ir> (دسترسی: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸).
- حمزه‌نژاد، مهدی و عربی، مائده. ۱۳۹۳. بررسی اصالت اسلامی ایرانی در مساجد نوگرای معاصر، نمونه موردی: طرح مسجد چهارراه ولی عصر (عج) تهران. فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی: شماره ۱۵، ۴۷-۶۱.
- حمزه‌نژاد، مهدی و امیرآبادی فراهانی، مهدیه. ۱۳۹۹. تحلیلی بر اصالت مساجد معاصر ملی در جهان اسلام. فصل‌نامه علمی- پژوهشی نقش جهان: دوره ۱۰، شماره ۴، ۳۰۵-۳۱۶.
- زمرشیدی، حسین. ۱۳۸۸. مسجد در معماری ایران. تهران: نشر زمان.
- زمرشیدی، حسین. ۱۳۸۹. گنبد و عناصر طاقی ایران. تهران: نشر زمان.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. ۱۳۸۴. روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی‌فر، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، مشایخی، محمد و بهرامی، منیره. ۱۳۹۳. الگوهای طراحی مسجد در معماری معاصر، فصل‌نامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال دوم، شماره ۵، ۳-۱۷.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری: شرکت طرح و نشر پیام سیما.

منابع انگلیسی

- Al-Asad, Muhammad. 1990. Comments. In: Expressions of Islam in buildings. Agha Khan Trust for Culture. 28-30.
- Alexander, Christopher. 1964. Notes on the Synthesis of Form. Harvard University Press.
- Avcioglu, Nebahat. 2007. Identity-as-form: the mosque in the West. Cultural Analysis, 6, 91-112.
- Beheshti, Seyyed Mohammad. 2010. Iranian mosque the place of Ascension of the believers. Tehran: Rouzane. [in Persian]
- Cross, Nigel. 1997. Descriptive models of creative design: application to an example. Design studies, 18(4), 427-440.
- Fethi, Ihsan. 1985. The Mosque Today: An Essay. In: Architecture in Continuity: Building in the Islamic World Today, Sherban Cantacuzino (ed), Aga Khan Publications, New York, 53-63.
- Groat, L. and Wang, D. 2005. Architectural Research Methods. Translated by: Eynifar, A., University of Tehran Press.
- Haider, Gulzar. 1990. "Brother in Islam, Please Draw us a Mosque" Muslims in the West: A Personal Account. In Expressions of Islam in Buildings, Agha Khan Trust for Culture. 155-166.
- Hamzenejad, M., and Maedeh Arabi. 2014. A Study of Iranian Islamic Originality in Contemporary Modern Mosques, Case Study: Design of the Mosque of Vali Asr(a) Crossroad. Iranian Islamic city studies 15: 47-61. [in Persian]
- Hamzenejad, M., and Amirabadi Farahani M. 2021. An Analysis of the Originality of Contemporary Mosques in the Islamic World. Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning 10(4), 305-316. [in Persian]
- Hojjat, Eesa. 2015. Traditionalists' Tradition and Architects' Traditionalism. Honar-Ha-Ye-Ziba Memari-Va-Shahrsazi 20 (1): 5-16. [in Persian]
- Honaronline. 2020. Mahdi Hojjat: architecture of mosque should not be anonymous. April 28, 2020. <http://www.honaronline.ir/> (accessed May 9, 2022) [in Persian]
- Jahić, Edin. 2008. Stylistic expressions in the 20th century mosque architecture. Prostor: znanstveni časopis za arhitekturu i

- urbanizam, 16(1 (35)), 2-21.
- Lawson, B. (2012). What designers know. Routledge.
- Serageldin, I., and Steele, J. 1996. Architecture of the Contemporary Mosque, London: Wiley, Academy Group Ltd.
- Hoteit, Aida. 2015. Contemporary architectural trends and their impact on the symbolic and spiritual function of the Mosque. International Journal of Current Research, 7(3), 13547-13558.
- Khan, Hasan-Uddin. 1990. The architecture of the mosque, an overview and design directions. In: Expressions of Islam in buildings. Agha Khan Trust for Culture. 109-127.
- . 2008. Contemporary Mosque Architecture. Isim Review, 21(1), 52-53.
- Retrieved from <https://hdl.handle.net/1887/17213> (accessed May 9, 2022)
- Kuban, Dogan. 1990. Comments. In: Expressions of islam in buildings. Agha Khan Trust for Culture. 128-134.
- Mahdavinejad, M., M. Mashayekhi, and M. Bahrani. 2015. Mosque design patterns in contemporary architecture. Journal of Research in Islamic Architecture 2(5): 3-17. [in Persian]
- Noqrekar, Abdolhamid. 2008. An Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism. Tehran: Vezârat-e Maskan va Shahrâzi. [in Persian]
- Verkaaik, Oskar. 2012. Designing the 'Anti-mosque': Identity, religion and Affect in Contemporary European Mosque Design, Social Anthropology, 20(2), 161-176.
- Zomarshidi, Hossein. 2009. Mosque in Iranian Architecture. Tehran: Nashr-e Zamân. [in Persian]
- . 2010. Dome and Arch Elements of Iran. Tehran: Nashr-e Zamân. [in Persian]